

## بررسی عوامل مؤثر بر میزان تقدیرگرایی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان کنارک)

هادی راستی<sup>۱</sup> \* اسماعیل رحمانی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف این مقاله، ارزیابی میزان تقدیرگرایی و تبیین برخی عوامل مؤثر بر آن در روستاهای شهرستان کنارک است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و جامعه آماری آن کلیه روستاییان شهرستان کنارک هستند. از این میان ۳۰ روستا و ۳۸۳ فرد روستایی به عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌ها به روش‌های آماری در نرم افزار SPSS پردازش و تحلیل شد. نتایج بیانگر میزان قابل ملاحظه تقدیرگرایی با درجه میانگین ۲/۹ است. همچنین رابطه همبستگی عوامل مذهبی (به جز پایبندی به مناسک مذهبی)، احساس برابری (به جز رعایت حقوق قومیت‌ها، برتری قانون بر رابطه و شایسته‌سالاری)، احساس کارآمدی و احساس بیگانگی (به جز احساس بی‌معنایی) با میزان تقدیرگرایی از لحاظ آماری معنادار است. نتایج حاکی از ضعف قابل ملاحظه در بنیان‌های آگاهی و دانش، بنیان‌های اقتصادی و تولیدی و نیز سازوکارهای نهادی در تخصیص و توزیع سرمایه‌ها و امکانات است، که روی هم رفته در چارچوب نظام سنتی مبتنی بر عرف، سنت و مذهب، منجر به گرایش‌های تقدیرگرایانه در روستاهای منطقه شده است.

**واژگان کلیدی:** تقدیرگرایی، عوامل فرهنگی و جامعه‌شناختی، نواحی روستایی و کنارک

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال پنجم • شماره نوزدهم • تابستان ۹۵ • صص ۱۶۷-۱۵۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۰/۲۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۲/۱۲

۱. دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، نویسنده مسئول  
(rasti.hadi1392@gmail.com)

۲. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه سیستان و بلوچستان،  
(rahmaniesmail329@gmail.com)

## مقدمه

شکل‌های متنوع و متفاوت فرهنگی، زمینه‌های متفاوتی برای پذیرش توسعه و تغییر را دنبال می‌کنند. از این رو شناخت نگرش‌ها، سنت‌ها، عوامل فرهنگی و جامعه‌شناختی که در فرایند توسعه می‌توانند تأثیرگذار باشند، اجتناب‌ناپذیر است. در دنیای امروز بسیاری از صاحب‌نظران، توسعه فرهنگی در سکونتگاه‌های انسانی را مقدم بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌دانند. از دیدگاه آنها، مقاومت در برابر نوآوری‌ها و بدبینی نسبت به آن در جوامع توسعه‌نیافته غالباً به دلیل وجود گرایش تقدیرگرایانه است (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶: ۱۹۳) و مناطق حاشیه‌ای و محروم این جوامع، به‌ویژه جوامع روستایی که در آنها فرهنگ سنتی غالب است، گرایش‌های تقدیرگرایانه در فرایند توسعه نقش بازدارندگی را ایفا می‌کنند.

تقدیرگرایی<sup>۱</sup> اعتقاد به سرنوشتی از پیش محتوم و باور به تعیین آن توسط نیروهای ماورای طبیعی و قبول عدم امکان دخالت خود فرد در تغییر آن (رفیعی، ۱۳۹۲: ۱۱) اطلاق می‌شود. به عبارتی تقدیرگرایی به مثابه اعتقادی گروهی همه امور و پدیده‌ها را در حیات اجتماعی فرد به کارکرد نیروها و عوامل ماورای طبیعی نسبت می‌دهد. تقدیرگرایی یکی از موانع فرهنگی و اجتماعی توسعه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته تلقی شده است. در متون اقتصادی و اجتماعی، توسعه در جهان و ایران از آغاز، این مطلب مطرح شده که ساختار فرهنگ و جامعه سنتی براساس تقدیرگرایی و نفی اراده و آزادی انسانی و نوآوری نهاده شده است (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶: ۱۹۴). در این راستا استان سیستان و بلوچستان به‌عنوان محروم‌ترین یا یکی از محروم‌ترین استان‌های کشور از لحاظ اغلب شاخص‌های توسعه (اقتصادی، فرهنگی، سلامت، رفاه، آموزش و کیفیت زندگی) دارای سطح نازل است و در بیشتر مطالعات و تحقیقات در رتبه آخر قرار گرفته است. روستاهای این استان نیز با چالشی مضاعف در زمینه وضعیت توسعه مواجه هستند. شهرستان کنارک که از

محروم‌ترین شهرستان‌های استان به شمار می‌آید، از لحاظ شاخص‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، به‌ویژه شاخص‌های فرهنگی و آموزشی وضعیت مناسبی ندارد و به تبعیت از آن نواحی روستایی آن به‌عنوان جامعه آماری این پژوهش به‌خاطر انزوای جغرافیایی و دسترسی ضعیف به زیرساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از وضعیت اجتماعی و اقتصادی نابه‌سامانی برخوردار بوده و در محرومیت به سر می‌برند. بخش مهمی از این مسئله به‌گرایش‌های تقدیرگرایانه روستاییان از جمله گرایش‌هایی که مبتنی بر دانسته‌های مرتبط با مذهب و آیین‌های سنتی محلی است، بازمی‌گردد. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی و تبیین عوامل تأثیرگذار بر میزان تقدیرگرایی در نواحی روستایی شهرستان کنارک (واقع در جنوب استان سیستان و بلوچستان) درصدد ارزیابی میزان تقدیرگرایی و بررسی تأثیرپذیری آن از برخی عوامل فرهنگی و جامعه‌شناختی برآمده است که شامل عوامل دینی و مذهبی، احساس عدالت، احساس کارآمدی و احساس بیگانگی اجتماعی است. علل‌گزینش این عوامل در پژوهش حاضر، برجسته‌تر بودن نقش سنتی دین و مذهب حنفی - که سنت‌گراترین گرایش در اهل سنت است - و نیز نقش برجسته باورهای قومی و عرفی مبتنی بر سنت‌های اجدادی در منطقه است که به نظر می‌رسد به‌صورت مؤثری در قالب ضعف اساسی در آگاهی عمومی، ترجیح عرف بر مقررات و ضوابط، فقدان یا ضعف عقل باوری و علم باوری، عدم استمرار تلاش در برخورد با محدودیت‌ها، شیوه‌های سنتی تولید، ضعف آینده‌نگری در چارچوب سنت، عدم توانایی در برابر روابط قدرت و مصیبت‌های اجتماعی و نیز در مقابل مخاطرات طبیعی و به تبعیت از آن پذیرفتن این مسائل از سوی بسیاری از روستاییان به‌عنوان امور قضا و قدر و از پیش تعیین شده، نمود یافته است و از این طریق تا حدودی فعالیت و معیشت مردم روستایی را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به مباحث مطرح شده، این پژوهش در پی پاسخگویی به سؤال‌های زیر است:

۱. میزان تقدیرگرایی در نواحی روستایی مورد مطالعه در چه سطحی است؟
۲. آیا عوامل مذهبی<sup>۱</sup> (دانش مذهبی، اهمیت مذهب در زندگی، پایبندی به اعمال و مناسک مذهبی) با میزان تقدیرگرایی رابطه دارند؟

۳. آیا عامل احساس برابری و عدالت<sup>۱</sup> (دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی، رعایت حقوق قومیت‌ها، برتری قانون بر رابطه و شایسته‌سالاری) با میزان تقدیرگرایی رابطه دارد؟
۴. آیا بین عامل احساس کارآمدی<sup>۲</sup> (انگیزه پیشرفت و سطح آرزوها) و میزان تقدیرگرایی روستایی رابطه وجود دارد؟
۵. آیا احساس بیگانگی اجتماعی<sup>۳</sup> (احساس بی‌قدرتی، بی‌معنایی، انزوای ارزشی و غریبگی با خود) با میزان تقدیرگرایی رابطه دارد؟

### ۱. مبانی نظری

تقدیرگرایی از جمله مؤلفه‌های مهم فرهنگی است که اغلب توسط نظریه‌پردازان مکتب نوسازی (لویس، ۱۹۶۰؛ فاستر، ۱۹۶۵؛ راجرز، ۱۹۶۹ و دیگران) برای تحلیل توسعه در جهان سوم به خصوص جوامع دهقانی و روستایی به کار برده شده است. همچنین دو جامعه‌شناس معروف - امیل دورکیم و ماکس وبر - در مورد تقدیرگرایی اظهار نظر کرده‌اند. دورکیم عقلانیت دینی و فرهنگی (عدم تقدیرگرایی) را به‌عنوان عامل توسعه دانسته است. ماکس وبر در آثارش به بررسی رابطه مذهب و عقلانیت پرداخته است. مانفرد (۱۹۷۶) تقدیرگرایی را به‌عنوان یک ارزش و اعتقاد فرهنگی، خاص جوامعی می‌داند که دارای ویژگی‌های زیر است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۴: ۱۸):

۱. عرف بر قانون غلبه دارد، ۲. نظام اجتماعی - اقتصادی تولید در مرحله ماقبل صنعتی قرار دارد و روابط اجتماعی تولید منعکس‌کننده ارزش‌های فئودالیسم است، ۳. جوامعی که هنوز به مرحله تولید انبوه نرسیده‌اند، ۴. حداقل تحرک طبقه‌ای و حرفه‌ای (شغلی) دیده می‌شود، ۵. حداقل تقسیم کار و تخصص در جامعه مشهود است، ۶. سواد و آگاهی عمومی پایین است، ۷. عدم اطلاع از تاریخ قاعده کلی است، ۸. انسجام اجتماعی از نوع مکانیکی است و ۹. نوعی احساس ناتوانی و بی‌قدرتی و ناامیدی در برابر واقعیات حاکم همراه با نوعی تسلیم و رضا شیوع دارد.

برخی نظریه‌پردازان معتقدند که شاخص‌هایی همچون سطح آرزوها، خواسته‌ها و

- 
1. Sense of equality and justice
  2. Sense of efficiency
  3. Sense of social alienation

انگیزه پیشرفت با میزان تقدیرگرایی رابطه معکوسی دارند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۲: ۱۹). راجرز «تقدیرگرایی» را درجه‌ای از درک فرد نسبت به عدم توانایی‌اش در مورد کنترل آینده تعریف کرده است. وی معتقد است: دهقانان در مورد کنترل حوادث آتی دارای وجه نظرهایی نظیر بی‌ارادگی، بدگمانی، تسلیم، بردباری، نرمش و گریز بوده و در نتیجه روحیه تقدیرگرایی در میان آنان یکی از عواملی است که پذیرش نوسازی و تغییر را مانع می‌شود (موسوی، ۱۳۸۴: ۳۰۵). نتایج برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که بین میزان میل به پیشرفت و توسعه و عدم تقدیرگرایی افراد رابطه مستقیم وجود دارد (پورافکاری، ۱۳۸۹: ۹۱).

به‌طور کلی عوامل زیادی بر تقدیرگرایی تأثیر می‌گذارند، که از جمله آنها می‌توان به احساس بی‌عدالتی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، شغلی و...، زندگی تحت ظلم و تبعیض (Zaehner, 1972)، پایین بودن سواد و تحصیلات، ساخت سنتی و مقتدرانه خانواده، تعالیم و آموزه‌های خاص مذهبی مبتنی بر جبر و تقدیر و نیز بی‌ارزش بودن دنیا و نظایر آن (Gabriel, 2008 & Zaehner, 1972)، احساس بی‌قدرتی یعنی احساس فردی که قادر به نفوذ و تأثیرگذاری بر جریان‌ها و امور نیست و تجربه یا مشاهده عدم موفقیت در کارها با وجود برنامه‌ریزی و تلاش (جوادی یگانه و فولادیان، ۱۳۹۰: ۱۱۳)، آسیب‌پذیری در برابر مصیبت‌های اجتماعی و خطرات طبیعی، احساس کارآمدی، احساس بیگانگی اجتماعی و... اشاره کرد. نتایج تحقیق رفیعی (۱۳۸۲) نشان می‌دهد: متغیرهای میزان دینداری با میزان تقدیرگرایی رابطه دارد. مطهری معتقد است که هر وقت عدالت اجتماعی متزلزل شود، استحقاق‌ها رعایت نشود، حقوق مراعات نشود و در تعویض مشاغل حساب‌های شخصی، توصیه و پارتی مؤثر باشد، فکر بخت و شانس و امثال اینها (تقدیرگرایی) قوت می‌گیرد و توسعه پیدا می‌کند (مطهری، ۱۳۵۸: ۸۲).

برخی صاحب‌نظران زمینه‌ها و ریشه‌های تاریخی تقدیرگرایی را در باورهای دینی و نگرش‌های مذهبی جست‌وجو کرده‌اند. زینر (۱۹۷۲) در کتاب خود با عنوان «به دنبال ریشه‌های تاریخی تقدیرگرایی»، کوشیده است میان اعتقادات و تعلیمات آیین زروان و تقدیرگرایی رابطه‌ای برقرار سازد. به زعم وی، نگرش آیین زروان چون نگرش برخی از آیین‌ها، نگرشی لاهوتی به جهان است که در چارچوب آن، فرد به نوعی خاص به پیرامون خود می‌نگرد. طبق این نگرش، موجودات جهان مادی توسط نیروهای ملکوتی اداره

می‌شوند. نوع رابطه انسان با لاهوت و حتی نوع رابطه انسان با طبیعت را مذاهب به پیرامون خود می‌آموزند و بر این اساس، پیروان خود را به کار و تلاش و یا زهد و ترک دنیا فرامی‌خوانند (Zaehner, 1972). درباره نفوذ اندیشه زروانی به دنیای اسلام، ریچارد فرای ایران‌شناس آمریکایی، معتقد است: پس از آمدن اسلام به ایران، دهقانان و بعضی از موبدان زرتشتی چون برای حفظ منافع خود به دین تازه گرویدند، معتقدات زروانی را درباره حاکمیت سپهر و چیرگی زمان به اسلام داخل کردند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۴: ۱۱). اغلب محققان غربی که در مورد تقدیرگرایی در کشورهای توسعه‌نیافته مطالعه کرده‌اند بر این باورند که تقدیرگرایی بیشتر در جوامع کمتر توسعه یافته و سنتی به‌ویژه در نواحی روستایی رایج و متداول است، که اغلب در نزد گروه‌های فرودست، طبقات پایین جامعه، افراد بی‌سواد یا کم‌سواد، گروه‌های مذهبی قشری و غیره نمود دارد (محسنی تبریزی و دیگران، ۱۳۸۵: ۹). به عبارتی، در فرهنگ برخی اجتماعات، به‌ویژه در جوامع سنتی، جوامع دهقانی و جوامع باستانی اعتقاد به تقدیر به‌عنوان باور گروهی، سبب شده است که افراد احساس کارآمدی شخصی بسیار نازلی داشته و نقش خود را در موقعیت یک کار یا رسیدن به هدف و نتیجه‌ای ارزشمند، نادیده انگارند. این خود سبب کاهش سطح توقعات، آرزوها و خواسته‌های افراد در جامعه شده و به پایین آمدن انگیزه‌های افراد جهت دستیابی به هدف‌های مطلوب در زندگی و کاهش انگیزه‌های قوی اقتصادی و جاه‌طلبی برای پیشرفت فردی کمک کرده است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۴: ۵).

در مجموع با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان گفت: از آنجایی که مردم ساکن در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته به لحاظ شرایط اقتصادی (اشتغال و درآمد)، اجتماعی (خدمات و زیرساخت‌ها)، فرهنگی (آموزش و تحصیلات) از وضعیت توسعه‌ای چندان مطلوبی برخوردار نیستند، در برابر انواع ناملایمات زندگی احساس ناتوانی و ناامیدی کرده و به ناچار برمبنای باورهای فرهنگی، عرفی و دینی به نیروهای ماوری طبیعی پناه می‌برند یا آیین معین و تغییر ناپذیر بودن زندگی را می‌پذیرند.

## ۲. روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نظر ماهیت، دارای روش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر تکمیل پرسشنامه محقق ساخته است. شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق بعد از بررسی پیشینه نظری و مطالعات اولیه محدود پژوهش استخراج شد (جدول ۱). جامعه آماری

تحقیق را کلیه ساکنان روستایی شهرستان کنارک (۴۳۱۴۹ نفر) و جامعه نمونه را ۳۰ روستا و ۳۸۳ نفر از ساکنان روستایی بالای ۱۸ سال تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری تصادفی بوده و تعداد نمونه متناسب با سهم جمعیتی هر روستا از طریق فرمول کوکران به دست آمده است.

جدول ۱. شاخص‌ها و متغیرهای مورد بررسی

معرف‌ها	شاخص‌ها	نوع متغیر
میزان آگاهی از احکام مذهبی، میزان اعتقاد به اهمیت مذهب در زندگی، میزان پایبندی به اعمال و اخلاق و مناسک مذهبی	دین و مذهب	مستقل
میزان رضایت از دسترسی برابر به درآمد و شغل مناسب، میزان رعایت حقوق قومیت‌ها (عدم نابرابری بین قومیت‌ها)، برتری قانون بر رابطه (قانون‌گرایی) و رضایت از شایسته‌سالاری (توجه به میزان توانایی و تخصص هر فرد و استفاده از آن در مسیر پیشرفت جامعه)	احساس برابری و عدالت	
انگیزه و میل به پیشرفت (علم‌گرایی)، تلاش جهت دستیابی به سطوح بالای رفاه فردی و اجتماعی، سطح توقعات و آرزوها برای زندگی آینده	احساس کارآمدی	
احساس بی‌قدرتی (تصور به بی‌تأثیر بودن عمل خود)، احساس بی‌معنایی (سردرگمی در اعتقادات و تصمیم‌ها)، احساس انزوای ارزشی (پرهیز از صمیمیت و انجام امور بر حسب ارزش پاداشی) و احساس غریبگی با خود (بیگانگی با آرمان‌های اجتماعی و بدبینی به آینده)	احساس بیگانگی اجتماعی	
اعتقاد به معین و حتمی بودن سرنوشت و غیرقابل تغییر بودن آن	تقدیرگرایی	وابسته
اعتقاد به شانس و اقبال (اعتقاد به اینکه امور زندگی بر شانس استوار است و رویدادهای زندگی بر مبنای شانس رقم می‌خورد)		
بدبینی به آینده (آینده شغلی و کیفیت زندگی در آینده)		
عدم عقل‌باوری در تعیین سرنوشت انسان (باور به سرنوشت از پیش تعیین شده و دخالت نداشتن عقل در آن)		
اعتقاد به قسمت و نصیب (آنچه در مسیر زندگی به دست می‌آید، سهمی از پیش تعیین شده است و تلاش در آن نقش چندانی ندارد)		
علم‌باوری ضعیف و عدم اعتقاد به کنترل معقول جمعیت (فقدان باور کافی به اینکه علم در نقش مهمی در زندگی انسان دارد و باور اینکه جمعیت نباید کنترل شود، چراکه روزی آن از پیش مقدر شده است)		

داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی (تکمیل پرسشنامه) به دست آمد. روایی پرسشنامه مبتنی بر تعاریف عملیاتی شاخص‌ها و نظر کارشناسان موضوع بررسی و تأیید شد و پایایی آن از طریق ۳۰ نمونه اولیه به‌طور پیش‌آزمون به کمک آلفای کرونباخ محاسبه شد (جدول ۲). روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها بر اساس روش‌های آماری در محیط نرم افزار spss و از طریق آزمون‌های t تک‌نمونه‌ای و همبستگی پیرسون بوده است. در این پژوهش میانه نظری بر مبنای مقیاس لیکرت عدد ۳ است.

جدول ۲. بررسی پایایی ابزار تحقیق (پرسشنامه)

شاخص‌ها	تعداد گویه‌ها	ضریب کرونباخ
دین و مذهب	۴	۰/۷۷۵
احساس عدالت	۷	۰/۸۲۳
احساس کارآمدی	۴	۰/۷۴۹
احساس بیگانگی اجتماعی	۷	۰/۸۶۱
تقدیرگرایی	۹	۰/۸۵۵

شهرستان کنارک در جنوب استان سیستان و بلوچستان و دارای دو بخش (مرکزی و زرآباد) و ۴ دهستان (زرآباد شرقی، زرآباد غربی، جهلیان و کهیر) و ۱۴۳ آبادی دارای سکنه است. این شهرستان طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۸۲۰۰۱ نفر جمعیت است که ۴۳۱۴۹ نفر آن در نواحی روستایی سکونت دارند. از لحاظ وضعیت سواد، این شهرستان طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ دارای ۳۵۲۱۰ نفر باسواد و ۳۴۱۷۱ نفر بی سواد بوده است که از این تعداد، ۱۶۴۰۸ نفر باسواد و ۱۷۱۰۴ نفر بی سواد ساکن روستاها بوده‌اند. جمعیت باسواد شهرستان مذکور در سرشماری سال ۱۳۹۰ به ۶۷۸۸۹ نفر رسیده که ۳۵۴۰۷ نفر از آنان در نقاط روستایی سکونت دارند. شهرستان مذکور طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۱۸۸۷۳ نفر جمعیت شاغل، ۳۴۵۶ نفر بیکار و ۳۶۹۱۲ نفر جمعیت غیرفعال (محصل، خانه‌دار و دارای درآمد بدون کار) است. معیشت روستاهای شهرستان کنارک بیشتر بر کشاورزی و صید و صیادی و نیز تا حدودی بر تجارت (به‌ویژه تجارت با کشورهای پاکستان و حوزه خلیج فارس) استوار است. منابع آب این شهرستان از طریق دو رودخانه کهیر و کاریانی که از ارتفاعات شمالی رشته کوه مکران سرچشمه می‌گیرند، تأمین می‌شود. از لحاظ دین و مذهب، همه ساکنان روستایی شهرستان کنارک پیرو مذهب اهل سنت (حنفی) هستند و تقریباً در همه روستاها روحانیون مذهبی برای آموزش و انجام مناسک دینی حضور دارند.

### ۳. یافته‌های پژوهش

از میان کلیه پاسخگویان ۸۷ درصد مرد و ۱۳ درصد زن بودند. از نظر سن، ۳۱/۳ درصد ۱۸ تا ۳۰ سال، ۲۰/۱ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۳۰/۷ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال و ۱۷/۸ درصد بالای ۵۰ سال سن دارند. پاسخ‌دهندگان از لحاظ تحصیلات، ۲۹/۲ درصد بی سواد، ۱۵/۹ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۱/۴ درصد راهنمایی، ۱۹/۷ درصد دیپلم، ۱۰/۵ درصد کاردانی، ۹/۴ درصد کارشناسی و ۳/۹ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. از نظر



مذهبی، همه روستاییان پیرو مذهب تسنن (حنفی) هستند. از لحاظ میزان درآمد ماهیانه، ۵۵/۲ درصد پاسخگویان درآمد کمتر از ۴۰۰ هزار تومان، ۲۷/۶ درصد بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان و ۱۷ درصد ۶۰۰ تا ۹۰۰ هزار و فقط ۰/۳ درصد بیشتر از ۹۰۰ هزار را اظهار نموده‌اند. از نظر وضعیت شغلی نیز ۲۷/۳ درصد گفته‌اند که دارای شغل کشاورزی و دامداری، ۳۵/۸ درصد دارای مشاغل آزاد، ۱۱/۷ درصد صیادی، ۳/۴ درصد خانه‌داری، ۲/۱ درصد کارگری، ۹ درصد کارمند و ۱۰/۶ درصد بیکار هستند.

جهت پاسخگویی به سؤال‌های تحقیق به وسیله آمار استنباطی، نخست وضعیت توزیع داده‌ها به کمک آزمون کولموگروف - اسمیرنوف بررسی شد. با توجه به رد فرضیه صفر، نتایج حاکی از نرمال بودن داده‌ها است (جدول ۳).

جدول ۳. بررسی وضعیت توزیع نرمال داده‌ها

شاخص‌ها	---	ضرایب
دین و مذهب	آماره کولموگروف - اسمیرنوف (z)	۰/۷۶۴
	سطح معناداری	۰/۴۹۸
احساس عدالت	آماره کولموگروف - اسمیرنوف (z)	۰/۷۹۳
	سطح معناداری	۰/۵۵۵
احساس کارآمدی	آماره کولموگروف - اسمیرنوف (z)	۰/۷۰۲
	سطح معناداری	۰/۷۰۷
احساس بیگانگی اجتماعی	آماره کولموگروف - اسمیرنوف (z)	۰/۶۵۱
	سطح معناداری	۰/۵۴۲
تقدیرگرایی	آماره کولموگروف - اسمیرنوف (z)	۰/۵۴۴
	سطح معناداری	۰/۹۲۸

بر اساس یافته‌های پژوهش، میزان تقدیرگرایی در نواحی روستایی مورد مطالعه کمتر از میانگین نظری (با درجه میانگین ۲/۹) است. از آنجا که مطابق آزمون t تک نمونه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و کران‌های بالا و پایین هر دو منفی هستند (جدول ۴)، می‌توان نتیجه گرفت که تقدیرگرایی در محدوده مورد مطالعه تا حدود قابل ملاحظه‌ای بر زندگی روستاییان و فرایند توسعه روستایی تأثیر گذاشته است.

جدول ۴. بررسی میزان تقدیرگرایی با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای

test value = 3							متغیر
سطح اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف	سطح	درجه	مقدار	میانگین	
کران پایین	کران بالا	میانگین	معناداری	آزادی	t	جامعه	تقدیرگرایی
-۰/۱۵۳۵	-۰/۰۴۶۹	-۰/۱۰۰۲	۰/۰۰۰	۳۷۶	۳/۶۹۸	۲/۹	

نتایج نشان می‌دهد که پاسخگویان، تا حد متوسط (با درجه ۲/۹) پیشرفت در امور زندگی را مبتنی بر شانس، قسمت و تعیین بودن سرنوشت از قبل و غیره می‌دانند. از علل میزان متوسط تقدیرگرایی در روستاهای شهرستان کنارک، عدم توان و تاب آوری روستاییان در برابر مخاطرات و مصیبت‌ها، عدم تجهیز کافی آنها به ابزارهای توانمندساز اطلاعاتی و مهارتی، ضعف بنیه اقتصادی، نگرش‌های مذهبی تقریباً متجرانه و آمیخته به خرافات (به‌عنوان نمونه بسیاری از روستاییان مبتنی بر تعالیم مذهبی معتقدند سرنوشت هر فرد پیش از تولد تعیین شده است و در رابطه با کنترل جمعیت معتقدند نباید از افزایش جمعیت جلوگیری کرد، با استناد به این روایت «هر آن کس که دندان دهد نان دهد» و غیره) و از همه مهم‌تر، جمود فکری و عقلی (رکود تفکر، بی‌تفاوتی، ترجیح نقل بر عقل، وابستگی فکری، تغییرناپذیر دانستن سنت‌های جامعه و غیره) قابل ذکر است. این میزان تقدیرگرایی در محدوده مورد مطالعه هر چند وضعیت مطلوبی جهت نیل به توسعه روستایی را نشان نمی‌دهد، با توجه به اطلاعات حاصل شده از روستاهای نمونه می‌توان با پویایی مذهبی و عرفی از طریق افزایش آگاهی و دانش که در اثر ارتقای دسترسی به زیرساخت‌های آموزشی و ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی (مانند اینترنت، مطبوعات، رسانه‌های گروهی و کتابخانه) قابل تحقق است و نیز با توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی مردم در نواحی روستایی از طریق آموزش‌های فنی و توسعه زیرساخت‌های تولیدی، به‌ویژه در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن، میزان تقدیرگرایی را تا حد زیادی تقلیل داد. از آنجایی که هنوز میزان استفاده از ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی در محدوده مورد مطالعه ضعیف (۳۹ درصد) است، در آینده می‌توان با ارتقای زیرساخت‌های فرهنگی و آموزشی به کاهش چشمگیر تقدیرگرایی در منطقه امیدوار بود.

به‌طور کلی، عوامل زیادی می‌توانند بر میزان تقدیرگرایی مؤثر باشند. در این راستا نقش برخی عوامل فرهنگی و جامعه‌شناختی در میزان تقدیرگرایی روستایی مورد بررسی قرار گرفته است. جهت بررسی نقش عامل «دین و مذهب» در میزان تقدیرگرایی روستایی

از روش همبستگی پیرسون استفاده شد. یافته‌ها حاکی از وجود ارتباط مثبت و معنادار سایر عوامل مذهبی به استثنای پایبندی به مناسک مذهبی (شرکت در مراسمات مذهبی) با میزان تقدیرگرایی است. به بیان دیگر دین و مذهب تا حدودی به گسترش تقدیرگرایی در نواحی روستایی مورد مطالعه کمک کرده است. اینکه هر چه میزان دانش مذهبی، پایبندی به واجبات مذهبی (نماز، روزه، زکات و...) و اعتقاد به نقش کلیدی مذهب در هدایت امور زندگی بیشتر بوده، میزان تقدیرگرایی سیر صعودی یافته و عکس قضیه نیز درست است. از این موضوع استنباط می‌شود که دین و مذهب به عنوان عاملی مهم و مؤثر در گرایش‌های تقدیرگرایانه روستاییان نقش ایفا می‌کند. دلیل این امر را می‌توان در مواردی همچون علم‌گرایی و تدبیرگرایی ضعیف، فقدان آگاهی کافی از تأثیر تدبیر و تلاش در تغییر و هدایت زندگی، تأکید بر سنت‌های گذشته، رکود و جمود فکری، معتقد بودن به تغییرناپذیر بودن زندگی در شرایط زمانی و مکانی و غیره که جملگی نشأت گرفته از ایستادگی در مفروضات دینی، ضعف عقلانیت دینی و ناتوانی در برابر موانع و مشکلات زندگی است، جست‌وجو کرد. به عبارتی، بسیاری از مردم روستایی مبتنی بر باورهای مذهبی بیشتر امور زندگی مانند کسب معاش و دارایی، منزلت بالای اجتماعی و سوانح اتفاقی را امری محتوم و مبتنی بر تقدیر الهی دانسته و از این رو با پیشه کردن قناعت با دشواری‌های زندگی کنار می‌آیند (جدول ۵).

جدول ۵. بررسی ارتباط دین و مذهب با میزان تقدیرگرایی

شاخص‌ها	-----	تقدیرگرایی	نوع همبستگی
دانش مذهبی	ضریب همبستگی	۰/۳۱۶	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۰	
اهمیت مذهب	ضریب همبستگی	۰/۱۱۸	پیرسون
	معناداری	۰/۰۲	
پایبندی به واجبات مذهبی	ضریب همبستگی	۰/۳۰۱	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۰	
پایبندی به مناسک مذهبی	ضریب همبستگی	۰/۰۷۳	پیرسون
	معناداری	۰/۱۵۵	

در بررسی نقش احساس برابری و عدالت اجتماعی در میزان تقدیرگرایی روستاییان، فقط ارتباط مستقیم و معناداری بین عامل دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی و میزان تقدیرگرایی مشاهده شد. به عبارت دیگر، با افزایش رضایتمندی از دسترسی مساوی

روستاییان به انواع فرصت‌های اقتصادی در محل سکونت و پیرامون با گسترش تقدیرگرایی همگام است. دلیل این قضیه نیز در این باور روستاییان قابل پیگیری است که هر کس به مقدار مشخصی که خداوند نصیب او قرار داده به مال و اموال دسترسی می‌یابد. همچنین آنان فرصت و قسمت ذاتی که هر فرد از پیش با خود به همراه دارد در دستیابی به فرصت‌ها و اموال زندگی دارای نقش مهمی می‌دانند. اما سایر عوامل احساس برابری ارتباط منطقی و معناداری با میزان تقدیرگرایی نشان ندادند. علی‌رغم وجود مسائلی همچون پیگیری امور در نهادهای رسمی به صورت غیرقانونی و فقدان شایسته‌سالاری (عدم به کارگیری افراد براساس صلاحیت و توانایی در بسیاری از موارد به‌ویژه استخدام‌های رسمی)، میزان تقدیرگرایی از این عوامل تأثیر نپذیرفته است (جدول ۶).

جدول ۶. بررسی ارتباط احساس برابری و عدالت با میزان تقدیرگرایی

شاخص‌ها	---	تقدیرگرایی	نوع همبستگی
دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی	ضریب همبستگی	۰/۲۳۳	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۰	
رعایت حقوق قومیت‌ها	ضریب همبستگی	۰/۰۸۴	پیرسون
	معناداری	۰/۱۰۴	
برتری قانون بر رابطه	ضریب همبستگی	۰/۰۹۳	پیرسون
	معناداری	۰/۰۷۳	
شایسته‌سالاری	ضریب همبستگی	۰/۰۳۱	پیرسون
	معناداری	۰/۵۴۵	

جهت بررسی نقش احساس کارآمدی در میزان تقدیرگرایی روستایی، یافته‌ها نشان داد: دو شاخص «انگیزه و میل به پیشرفت» و «سطح آرزوها» دارای رابطه معکوس و معناداری با میزان تقدیرگرایی هستند. با کاهش انگیزه پیشرفت (کاهش تمایل به علم‌گرایی و رسیدن سطوح بالای رفاه فردی و اجتماعی) و کاهش سطح آرزوها و خواسته‌های روستاییان، میزان تقدیرگرایی آنان سیر افزایشی پیدا کرده است، عکس این قضیه نیز درست است. می‌توان گفت: مردم روستایی در بیشتر موارد در چارچوب نظام سنتی، انگیزه پیشرفت و آرزوها و آرمان‌های پایینی داشته و نصیب یا قسمت خود را همان میزانی می‌دانند که به آن دسترسی پیدا کرده‌اند و دستیابی به بیشتر از آن را مقدر نشده برای خود می‌پندارند (جدول ۷).

جدول ۷. بررسی ارتباط احساس کارآمدی با میزان تقدیرگرایی

شاخص‌ها	----	تقدیرگرایی	نوع همبستگی
انگیزه پیشرفت	ضریب همبستگی	-۰/۲۲۹	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۰	
سطح آرزوها	ضریب همبستگی	-۰/۲۳۱**	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۰	

در روستاهای مورد مطالعه، بین احساس بیگانگی اجتماعی (به استثنای شاخص بی‌معنایی) و میزان تقدیرگرایی رابطه مثبت و معناداری برقرار است. به عبارتی، افزایش احساس بی‌قدرتی، احساس انزوای ارزشی و احساس غریبگی با خود تا حدودی با افزایش میزان تقدیرگرایی همراه است. می‌توان گفت: زمانی که مردم روستایی فکر می‌کنند اعمالشان در جامعه بی‌تأثیر است و از حضور آنان در اجتماع استقبال و حمایت نمی‌شود، امید چندانی برای آینده خوب نمی‌بینند؛ از صمیمیت در اجتماع پرهیز کرده و خود را بیگانه از آرمان‌های اجتماعی می‌یابند. این قضیه آنها را به انجام امور اجتماعی فقط در قبال ارزش پاداشی و پولی سوق می‌دهد. در نهایت، آنها که خود را بیگانه با اجتماع می‌یابند، گرایششان به سوی تقدیرگرایی (اعتقاد به تأثیر شانس و قسمت و مشخص بودن سرنوشت از پیش) رو به فزونی می‌گیرد. اما ارتباط احساس بی‌معنایی با میزان تقدیرگرایی مورد تأیید قرار نگرفت. این امر حاکی از آن است که روستاییان از نظام اعتقادی و تصمیمات قاعده‌مندی برخوردارند و احساس سردرگمی در این زمینه ندارند (جدول ۸).

جدول ۸. بررسی ارتباط احساس بیگانگی اجتماعی با میزان تقدیرگرایی

شاخص‌ها	----	تقدیرگرایی	نوع همبستگی
احساس بی‌قدرتی	ضریب همبستگی	-۰/۱۳۴	پیرسون
	معناداری	-۰/۰۰۹	
احساس بی‌معنایی	ضریب همبستگی	-۰/۰۶۹	پیرسون
	معناداری	-۰/۱۷۹	
احساس انزوای ارزشی	ضریب همبستگی	-۰/۱۵۲	پیرسون
	معناداری	-۰/۰۰۳	
احساس غریبگی با خود	ضریب همبستگی	-۰/۲۴۳	پیرسون
	معناداری	-۰/۰۰۰	

#### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شناخت و ارزیابی میزان تقدیرگرایی و بررسی عوامل مؤثر بر آن می‌تواند در جهت‌دهی برنامه‌های توسعه، به‌ویژه برنامه‌ریزی و توسعه فرهنگی به‌طور قابل ملاحظه‌ای نقش‌آفرین باشد. از این رو پژوهش حاضر با هدف ارزیابی میزان تقدیرگرایی و بررسی برخی عوامل فرهنگی و جامعه‌شناختی مؤثر بر آن، در نواحی روستایی یکی از شهرستان‌های محروم استان سیستان و بلوچستان انجام گرفت. نتایج به دست آمده حاکی از میزان متوسط تقدیرگرایی با درجه میانگین ۲/۹ است. این امر نشانگر ضعف اساسی در پویایی مذهبی، عقلی و عرفی منشعب از ضعف زیرساخت‌های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی از یک سو و نیز فقدان سازوکار مناسب برنامه‌ای و مدیریتی در توزیع سرمایه‌ها و بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی - اجتماعی با رویکرد عدالت‌محور از سوی دیگر است. به بیان دقیق‌تر می‌توان گفت: روستاییان در چارچوب غالب باورهای سنتی مبتنی بر باورهای اجدادی و قومی و شکل سنتی مذهب از یک سو و فقدان توان مالی و مهارتی کافی جهت رویایی با مصیبت‌های اجتماعی و مخاطرات طبیعی که خود نشأت گرفته از ناکارآمدی تولید روستایی به‌ویژه در بخش کشاورزی است، از سوی دیگر به گذران معیشت اقدام می‌کنند. این مسئله در چارچوب نظام سنتی عرف و مذهب روستاییان رو ناگزیر به سوی پذیرش تقدیر سوق داده است.

طبق نتایج، ارتباط عوامل مذهبی (به جز پایبندی به مناسک مذهبی)، احساس برابری (به جز رعایت حقوق قومیت‌ها، برتری قانون بر رابطه، شایسته‌سالاری)، احساس کارآمدی و احساس بیگانگی اجتماعی (به غیر از احساس بی‌معنایی) با میزان تقدیرگرایی روستایی در محدوده مورد مطالعه معنادار بود و مورد تأیید قرار گرفت. در این میان عوامل احساس برابری و عدالت با ضریب میانگین ۰/۲۲۳ بیشترین تأثیر و عامل مذهب با ضریب میانگین ۰/۱۷۸ کمترین تأثیر را بر میزان تقدیرگرایی دارند. همچنین، رابطه معکوس و معنادار بین میزان تحصیلات و میزان تقدیرگرایی در این پژوهش مؤید دیدگاه‌های لویس (۱۹۶۰)، فاستر (۱۹۶۵) و نی هف (۱۹۷۱) و همچنین نظر مانفرد (۱۹۷۶) است. ارتقای درجه دینداری در محدوده مورد مطالعه، افزایش تقدیرگرایی را در پی داشته است. این موضوع مؤید نظریات زینر (۱۹۷۲) است. وی تعالیم و آموزه‌های خاص مذهبی مبتنی بر جبر و تقدیر و نیز بی‌ارزش بودن دنیا و نظایر آن را بر افزایش تقدیرگرایی مؤثر دانسته است.

همچنین نتیجه مذکور با نتایج تحقیق رفیعی (۱۳۸۲) که حاکی از وجود ارتباط مستقیم میزان دینداری با میزان تقدیرگرایی بود، انطباق دارد. علاوه بر این، احساس برابری و عدالت (تنها از نظر دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی) رابطه معناداری با میزان تقدیرگرایی رابطه معناداری را نشان داد. این موضوع با دیدگاه ورستیک (۲۰۰۲) و نظریه مطهری (۱۳۵۸) که تزلزل عدالت اجتماعی سبب افزایش تقدیرگرایی می‌داند، منطبق است. اما این دیدگاه‌ها با شاخص‌های دیگر (احساس برابری در رعایت حقوق قومیت‌ها، برتری قانون بر رابطه و شایسته‌سالاری) که ارتباط معناداری با تقدیرگرایی نشان ندادند، مغایرت دارد. همچنین براساس نتایج به دست آمده، بین احساس کارآمدی و میزان تقدیرگرایی رابطه معکوس و معناداری مشاهده شد، اینکه با افزایش احساس کارآمدی، میزان تقدیرگرایی سیر نزولی و کاهشی پیدا کرده است و برعکس. این نتیجه بر دیدگاه برخی نظریه‌پردازان (لویس ۱۹۶۰، فاستر ۱۹۶۵، نی هف ۱۹۷۱) که معتقد به وجود ارتباط معکوس بین سطح آرزوها و خواسته‌ها و انگیزه پیشرفت با میزان تقدیرگرایی بودند، مهر تأیید می‌گذارد. افزون بر این ارتباط مستقیم و معناداری بین احساس بیگانگی اجتماعی (به جز شاخص احساس بی‌معنایی) و میزان تقدیرگرایی مشاهده شد. اینکه افزایش احساس بیگانگی اجتماعی با افزایش میزان تقدیرگرایی در نواحی روستایی مورد مطالعه همگام است، مورد تأیید قرار گرفت. از این رو نتیجه مذکور با دیدگاه‌های مانفرد (۱۹۷۶) و کوزر و روزنبرگ (۱۳۷۸) همسویی دارد.

بنابراین نتایج پژوهش حاکی از ضعف قابل ملاحظه‌ای در بنیان‌های آگاهی و دانش، بنیان‌های اقتصادی و تولیدی و نیز ساز و کارهای نهادی در تخصیص و توزیع سرمایه‌ها و امکانات است، که روی هم رفته در چارچوب نظام سنتی مبتنی بر عرف، سنت و مذهب، منجر به گرایش‌های تقدیرگرایانه در روستاهای منطقه شده است. این امر مستلزم زمینه‌سازی فرهنگی و انجام اقداماتی است که عبارتند از:

- ایجاد و گسترش زیرساخت‌های ارتباطی - اطلاعاتی و تأکید ویژه بر ارتقای دسترسی به منابع دانش از جمله برنامه‌های تلویزیونی، رادیویی، مجلات و روزنامه‌های مفید و آگاهی بخش که مرتبط با خواسته‌های و نیازهای روستاییان باشند؛
- تأکید ویژه بر پویایی دینی - مذهبی (توجه اساسی به تفکر و تدبیر مورد تأکید در

منابع دینی و پرهیز از گرایش‌های تقدیرگرایانه و جمود فکری) و سوق دادن هدفمند روستائیان به سمت عقل‌گرایی، تدبیر‌گرایی، علم‌گرایی و به‌طور کلی به سمت تلاش مستمر برای دستیابی رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی مطلوب از طریق بهبود دسترسی‌های آموزشی و اطلاعاتی به کمک رسانه‌ها؛

- تأکید بر ایجاد و تقویت بنیان‌های اقتصادی و تولیدی نواحی روستایی، به‌ویژه در بخش کشاورزی و صید و صیادی مبتنی بر رویکرد عدالت اجتماعی و مکانی؛ چراکه از دیرباز ناتوانی‌ها و ضعف‌های اقتصادی نقش مهمی در تسلیم روستائیان در برابر انواع مخاطرات طبیعی و مصیبت‌های اجتماعی و پذیرش‌های گرایش‌های تقدیرگرایانه داشته‌اند.

- تأکید بر نقش مشارکتی و مؤثر مردم در برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه محلی و اینکه متولیان توسعه روستایی لازم است به دانش و تجربیات بومی مردم توجه کرده و آنان را در فرایند تصمیم‌گیری تا اجرای پروژه‌ها و نیز منافع حاصل از این پروژه‌ها سهیم دارند. این امر منجر به افزایش میل به پیشرفت و احساس کارآمدی خواهد شد و به کاهش حس بی‌قدرتی و از خودبیگانگی اجتماعی کمک شایانی خواهد کرد.



## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۶). «بررسی نظریه نوسازی: مطالعه موردی درباره تقدیرگرایی فرهنگی در ایران»، نشریه فرهنگ، شماره ۲۲ و ۲۳: ۲۰۸-۱۹۱.
۲. پورافکاری، نصراله (۱۳۸۹). «چالش‌ها و فرصت‌های توسعه پایدار در شوشتر»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر، سال چهارم، شماره ۱۱: ۱۰۲-۵۵.
۳. جوادی یگانه، محمدرضا و مجید فولادیان (۱۳۹۰). «تبلی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۲، شماره ۴: ۱۳۷-۱۰۹.
۴. رفیعی، سیدمحمد (۱۳۸۲). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان تقدیرگرایی (مطالعه موردی: شهر فردوس) پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تربیت مدرس.
۵. موسوی، میرطاهر (۱۳۸۴). «تحلیل مشارکت اجتماعی در تهران (رویکرد خرده فرهنگ دهقانی راجرز)»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۹: ۳۲۷-۳۰۱.
۶. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۲). «سنجش بری از ویژگی‌های خرده‌فرهنگ دهقانی در عشایر عضو نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در استان‌های آذربایجان شرقی و کردستان»، نامه انسان‌شناسی، دور اول، شماره ۴: ۳۶-۱۱.
۷. محسنی تبریزی، علیرضا، لادن هویدا و مریم داودی (۱۳۸۵). «تقدیرگرایی و عوامل مؤثر بر آن: زنان بالغ مراکز استان‌های کشور»، فصلنامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره ۷.
۸. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۴). «فاتالیسم و عوامل مؤثر بر آن: سنجش میزان فاتالیسم در زنان مناطق شهری کشور»، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۹. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸). بیست گفتار، تهران: انتشارات صدرا.

### ب) منابع لاتین

1. Gabriel A. (2008). "Islamic Fatalism and the Clash of Civilizations: An Appraisal of a Contentious and Dubious Theory", Oxford Journals (Social Forces), No. 86 (4): 1711-1752.
2. Zaehner, G. (1972). Zurvan: A Zoroastrian Dilemma, New York.